



تحلیل میزان نمودپذیری معانی مختلف خانه در الگوهای آپارتمانی و مستقل حیاطدار

(نمونه موردی: شهر شیراز)

علی اکبر حیدری^۱

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۸/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۹/۰۷/۰۵

چکیده

بیان مساله: خانه معنایی فراتر از یک سرپناه دارد. این مکان برای افراد مختلف حاوی معانی مختلفی است که شناخت این معانی می‌تواند زمینه ساز خلق مکانی مطلوب برای زندگی آنها باشد. از این رو پژوهش حاضر در پی بررسی معانی مختلفی است که افراد نسبت به محیط زندگی‌شان ادراک می‌کنند. بر این اساس دو الگوی سکونت‌گاهی رایج در مسکن معاصر کشور شامل الگوی آپارتمانی و مستقل حیاطدار به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب و تلاش می‌شود که معانی مختلفی که افراد از زندگی در این دو الگوی سکونت‌گاهی ادراک می‌کنند، استخراج شود.

سوال تحقیق: با توجه به موضوع تحقیق، این پژوهش در پی پاسخ به دو سوال است که: معانی خانه کدام‌ها هستند؟ و کدام یک از این معانی برای ساکنین خانه‌های حیاطدار و کدام معانی برای ساکنین خانه‌های آپارتمانی، نمودپذیری بیشتری دارد؟

اهداف تحقیق: در این تحقیق دو هدف اصلی مد نظر قرار دارد که شامل تدوین چارچوب نظری مدون از معانی مختلف خانه و تحلیل میزان و نمودپذیری هر کدام از معانی مذکور در دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاطدار به عنوان الگوهای رایج در فرهنگ سکونت شهرهای معاصر است.

روش تحقیق: در این پژوهش پس از استخراج معانی مختلف خانه از منظر ادبیات، نخبگان و پیمایش داخلی، چارچوب نظری تحقیق متشکل از سیزده معنا برای خانه استخراج گردید و در مرحله بعد میزان نمودپذیری هر کدام از این معانی از منظر ساکنین دو الگوی سکونتی مورد نظر در شهر شیراز به عنوان نمونه موردی، مورد سنجش قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۳۸ نفر از ساکنین خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار بودند که در محلات مختلف شهر ساکن بودند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بسته و مصاحبه عمیق با افراد بود و در تحلیل داده‌ها در بخش کمی، از آزمون‌های خی-دو و ریگرسیون لجستیک و در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده گردید.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان معانی سیزده‌گانه مستخرج از چارچوب نظری تحقیق، معانی "آزادی"، "تعلق و ریشه‌داری"، "تفاوت"، "تداوم" و "هویت مندی" از جمله معانی هستند که در میان ساکنان خانه‌های مستقل حیاطدار نمود بیشتری داشته‌اند. در مقابل معانی "امنیت" به عنوان معنایی است که در میان ساکنین خانه‌های آپارتمانی نمود بیشتری داشته است. سایر معانی نیز در هر دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاطدار تقریباً به یک میزان نمود داشته‌اند.

کلمات کلیدی: معنای خانه، افتراق معنایی، خانه آپارتمانی، خانه مستقل حیاطدار

۱- مقدمه:

تاکنون پژوهش‌های مختلفی پیرامون سنجش مطلوبیت فضای خانه و معیارهایی که این مطلوبیت را شکل می‌دهند، انجام گرفته است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۲؛ حیدری، ۱۳۹۷: ۲۴). چنین به نظر می‌رسد که مطلوبیت یک خانه از نظر ساکنین آن، به میزان رضایت آنها از آن خانه بستگی دارد. از طرفی رضایت فرد از خانه در گرو تامین سطوح مختلفی از نیازهای وی و خانواده‌اش است. چنانچه محیط یک خانه دارای قابلیت‌هایی باشد که به واسطه آنها، ابعاد مختلفی از نیازهای فرد تامین گردد، آنگاه آن خانه برای وی واجد معنی خواهد شد. بر این اساس معانی که افراد از محیط زندگی خود ادراک می‌کنند، در سنجش میزان رضایت یا عدم رضایت آنها از محیط خانه تاثیرگذار است. لذا چنین به نظر می‌رسد که با شناخت معانی مختلفی که افراد از محیط خانه‌های خود ادراک می‌کنند، می‌توان به تصویر ذهنی افراد از خانه مطلوب دست یافت.

انتخاب مسکن، متناسب و همراستا با انتظاراتی است که افراد از محل زندگی خود دارند؛ این در حالی است که معیارهای مختلف تبیین کننده مسکن مطلوب از دیدگاه ساکنین در پژوهش‌های علمی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. از طرفی افراد مختلف بسته به شرایط اقتصادی، عوامل اجتماعی، فرهنگی و ویژگی‌های شخصیتی خود، تمایل زیادی به تغییر مسکن در طول ادوار مختلفی از زندگی خود دارند که این موضوع نشان از عدم احساس رضایت نسبی آنها از وضعیت مسکن‌شان و عدم تطبیق آن با نیازهای متنوع و در حال تغییر خود و خانواده‌شان می‌باشد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۷). از طرفی چنانچه محدودیت‌های مربوط به ارزش املاک که به واسطه سوداگری در بازار مسکن حاصل می‌آید، در نظر گرفته نشود، فردی با سطح درآمد مشخص که توانایی خرید یا اجاره یک مسکن متوسط را دارد، در انتخاب نوع مسکن خود با مشکل مواجه خواهد بود. به این معنی که با انتخاب مسکن آپارتمانی و یا مستقل حیاطدار به عنوان دو تیپ غالب مسکن شهری در ایران^۱، یکسری از نیازهای رفح و بخشی دیگر نادیده

گرفته می‌شود. از آنجا که نوع مسکن بر شیوه زندگی افراد تاثیرگذار است لذا وجود تنوع در شیوه زندگی ساکنین، ابعاد مختلفی از معنا را برای آنها به وجود می‌آورد. در همین راستا این پژوهش بنا دارد با رویکردی روانشناختی، از میان مفاهیم مختلف مرتبط با مکان، "معنای مکان" و در ذیل آن مفهوم "معنای خانه" را برای ساکنین دو الگوی سکونت‌گاهی آپارتمانی و مستقل حیاطدار مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

۲- پرسش‌های تحقیق

- معانی مختلفی که افراد در محیط خانه ادراک می‌کنند، شامل چه مواردی است؟
- کدام یک از این معانی برای ساکنین خانه‌های آپارتمانی و کدام‌ها برای ساکنین خانه‌های مستقل حیاط دار نمود بیشتری دارند؟

۳- فرضیه تحقیق

- به نظر می‌رسد معانی خانه شامل طیفی از معانی است که از سطوح کارکردی تا سطح سطوح متعالی را در بر می‌گیرد.
- به نظر می‌رسد که از میان معانی مختلف خانه، معنای امنیت در خانه‌های آپارتمانی و معنای آزادی، تعلق خاطر، هویت‌مندی، تفاوت و تداوم برای ساکنین خانه‌های مستقل حیاطدار نمودپذیری بیشتری داشته باشد.

۴- پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های مختلفی پیرامون معنای خانه انجام گرفته است که در یک دسته بندی کلی، این مطالعات را می‌توان در چهار دسته شامل مطالعات پدیدارشناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و جغرافیا تقسیم نمود. در رویکرد پدیدارشناسی، معنای خانه از منظر مفهوم سکونت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد سکونت به عنوان عامل اصلی زیستن در جهان است و از این رو خانه به مثابه مرکز ژرف هستی انسان فهمیده می‌شود و نقطه آغازینی است که باقی جهان از طریق آن تجربه می‌شود. آنچه از دیدگاه پدیدارشناسان در ارتباط با خانه مشاهده می‌شود، جست و جو برای



شرایطی است که سکونت واقعی در آن تحقق می‌یابد. بنابراین عوامل تاثیرگذار بر این شرایط از نظر آنها، ابعاد معنوی زیست، حس کردن جریان زندگی، تداوم، مسئولیت در قبال مکان و مانند آنها است (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ۳۹). با این حال نقطه آغازین توجه حوزه پدیدارشناسی را باید به علایق هایدگر در مکان و سکونت جست و جو کرد. وی سکونت را به عنوان عامل اصلی و ضروری «بودن انسان و زیستن در جهان» می‌داند. همینطور مطالعه گاستون بشلار را می‌توان شکل دهنده پایه‌های فلسفی فضا در این حوزه دانست (Bachelard, 1964: 85).

در حوزه روانشناسی، معنای خانه در قالب رابطه موثر انسان و خانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در همین ارتباط هیوارد اولین کسی بود که فهرستی جامع از معانی متناسب به خانه اعم از ساختار کالبدی، قلمرو، مکان مشخص در جهان، خود و هویت را ارائه نمود (Hayward, 1975: 91). پس از آن، مطالعات مختلفی برای دسته‌بندی معانی و مفاهیم مربوط به خانه آغاز شد. در همان دوران کلوپ کوپر مارکوس، «خانه به عنوان نماد خویشتن» را مطرح کرد (Cooper, 1974: 59). همچنین اپلارد بر اساس مدل نیازهای مازلو، ادعا نمود که خانه آرامش روانی و نیازهای اجتماعی انسان را نیز فراهم می‌آورد (Appleyard, 1977: 21). مطالعات دیگر موثر در این حوزه، مطالعات سیک اسمیت شناخته شد که در آن مولفه‌های شخصی، اجتماعی و کالبدی خانه را بیان می‌کرد (Sixsmith, 1986: 292). در این مطالعات بنا بر تئوری مکان کانتر (۱۹۷۷)، بر تجربه شخصی خانه تاکید شد. همچنین در پژوهش توگنولی، پنج مشخصه شامل مرکزیت، تداوم، خلوت، تجلی خویشتن، هویت شخصی و در نهایت روابط اجتماعی برای خانه معرفی شد (Tognoli, 1987: 92). وی تاکید داشت که این پنج مشخصه، تمایز میان مسکن و خانه را ایجاد می‌نماید. با این حال یکی از جامع‌ترین فهرست‌های معانی مرتبط با خانه را دسپرس در سال ۱۹۹۱ تهیه کرد. وی با مرور ادبیات موجود از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۹، ده رده عمومی برای معنای خانه ارائه

داد که بیشتر یک نمایه فراگیر از بعد روانشناختی و نیز اجتماعی- فرهنگی بود (Moore, 2000: 210). در مجموع در حوزه روانشناسی محیط، متخصصان مختلفی در مورد مفهوم خانه مطالعه نموده‌اند. عده زیادی از این پژوهشگران به فهرست‌هایی از معانی متناسب به خانه رسیدند که در آنها به مفاهیمی نظیر ساختار کالبدی، هویت، واحدهای اجتماعی - فرهنگی، قلمرو، مرکزیت، خلوت، تداوم، تعلق، نماد، امنیت، خانواده، صمیمیت، آسایش، پناه، شان فردی، مالکیت و خاطرات کودکی اشاره شده است (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ۴۵).

تمرکز بر مفهوم خانه در علوم اجتماعی نیز از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد. در همین دوران بود که پروشانسکی بیان کرد که محیط کالبدی انسان ساخت، بیشتر پدیده- ای اجتماعی است تا فیزیکی (Proshanski et al, 2001: 2 in Lawson, 1970). در عین حال مطالعات راپاپورت سبب شد که به ابعاد فرهنگی خانه بیشتر توجه شود (Rapaport, 1969: 87). نتیجه پژوهش‌های انجام شده در دهه ۱۹۸۰ میلادی، تاکید بر فاصله میان ایده‌آل و واقعیت بوده است. همچنین این پژوهش‌ها سبب شد تا موج جدیدی از مطالعات با موضوع خانه ایده‌آل در دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شود. رایت در سال ۱۹۹۳ مطرح نمود که در پس مفهوم خانه، ایدئولوژی پیچیده‌ای وجود دارد که شامل انتظارات و آرزوهای ما از خانه است. وی خانه را یک ایده‌آل قوی فردی و فرهنگی معرفی نمود (Moore 2000: 212). از سوی دیگر در دهه ۱۹۹۰ میلادی، حوزه علوم اجتماعی شاهد توجه بیشتر به ابعاد تجربی و روانشناختی خانه بود (Somerville, 1997: 232). این در حالی است که در سال‌های بعد، این توجه بیشتر به بسترهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شکل‌دهنده فهم انسان از خانه گرایش یافت (Somerville, 1997: 234; Chapman et al, 1999: 76). در مجموع در حوزه علوم اجتماعی، خانه بیش از آنکه یک پدیده کالبدی با شمار آید، به عنوان پدیده‌ای اجتماعی بررسی شده است. به این ترتیب خانه در ارتباط با نهادهای اجتماعی از جمله نهاد خانواده قرار گرفته است. از این رو ابعاد فرهنگی خانه نیز



هر کدام از این سکونت‌گاه‌ها می‌پردازد. لذا فرایند پژوهش در دو گام قابل تعریف است:

۵-۱- گام اول: استخراج چارچوب نظری تحقیق:

در این گام و به منظور استخراج چارچوب نظری تحقیق ابتدا به جمع‌بندی ادبیات مربوط به معنای خانه پرداخته شد؛ به این معنی که در این مرحله، کلیه معانی که صاحب نظران و اندیشمندان در ارتباط با خانه تبیین نموده‌اند، استخراج و دسته بندی گردید. در مرحله بعد با استفاده از یک پیمایش داخلی از میان ۳۳۸ نفر از ساکنین شهر شیراز، به استخراج معانی مختلفی که آنها نسبت به خانه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند پرداخته شد. در مرحله سوم نتایج به دست آمده از دو مرحله قبل با یکدیگر ترکیب شده و به منظور اعتبار دهی بیشتر و همچنین استخراج کلیدواژه‌ای تبیین کننده معانی، با ۱۲ نفر از متخصصان حوزه معماری و روانشناسی محیط مورد بررسی مجدد قرار گرفت. در نهایت سیزده معنا برای خانه استخراج گردید که در این پژوهش به عنوان چارچوب نظری پژوهش در نظر گرفته شد.

۵-۲- گام دوم: بررسی میزان وقوع معانی در دو

الگوی آپارتمانی و مستقل حیاطدار: برای این منظور به تعداد معانی موجود در چارچوب نظری تحقیق، فرضیاتی مبتنی بر وجود یا عدم وجود آنها برای ساکنین دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاطدار طرح گردید. سپس پرسشنامه‌ای در این خصوص طراحی شده و در بین ۴۶۰ نفر از ساکنین خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار منتشر گردید. از این تعداد ۲۳۰ نفر ساکن خانه‌های آپارتمانی و ۲۳۰ نفر ساکن خانه‌های مستقل حیاطدار بودند. دامنه سنی افراد از ۱۶ تا ۵۶ سال تشکیل شده بود که این افراد از منظر تحصیلات در سطوح مختلفی قرار داشتند. از این تعداد نصف مرد و نصف زن بودند. انتخاب نمونه‌ها کاملاً به صورت تصادفی و از ساکنین نواحی مختلف شهر انجام گرفت. در طراحی پرسشنامه، هر کدام از معانی خانه در قالب یک گویه طرح گردید که در آن از وجود یا عدم وجود معنای مورد نظر در خانه فرد پرسش به عمل آمد. با توجه به اینکه پاسخ سوالات در

جز اصلی این مفهوم به شمار رفته است. حتی برخی خانه را محصول ترکیب ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه می‌دانند. همچنین معتقدند که درک ما از خانه بیشتر متوجه ایده‌آل‌ها بوده است تا واقعیت و ایده‌آل‌ها بیشتر جمعی هستند تا فردی. بدین ترتیب است که امروزه خانه نشان‌گر شان اجتماعی ساکنان آن به شمار می‌رود (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ۳۱).

در نهایت و در علم جغرافیا، خانه بیش از آنکه یک سکونت‌گاه یا مسکن باشد، «روش گره خوردن یک زندگی به یک فضای جغرافیایی است» (Saegret, 1980a: ۲۸۷). برای جغرافی دانان انسان‌گرا، خانه یک مرکز غیر قابل تعویض است که هم دارای بعد مادی است و هم دارای بعد ذهنی و تخیلی. در همین ارتباط بلانت معتقد است که «خانه یک تصور فضایی است؛ مجموعه‌ای از ایده‌ها، احساسات متغیر و متقاطع که به بستر مرتبط شده‌اند و مکان‌هایی را می‌سازند؛ در میان فضاها و مقیاس‌ها بس می‌یابند و به مکان پیوند می‌خورند. از این رو خانه یک مفهوم جغرافیایی چند لایه و پیچیده است» (Blunt & Dowling, 2006: 2). علاوه بر آن جغرافی دانان انسان‌گرا معتقدند که خانه امروزی، مفاهیم متضادی نظیر خودمانی و غیر خودمانی، خصوصی و عمومی، محلی و جهانی، مادی و تخیلی، زنانه و مردانه، کراندار و متخلخل، مستقر و متحرک، ماهیت و فرهنگ، و نیز بستر تعلق و بستر بیگانگی را در خود جای می‌دهد و از این رو بر خلاف گذشته، خانه به ارتباط و تعامل مفاهیم متضاد در خود تغییر یافته است (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ۵۲).

۵- روش تحقیق

همانگونه که پیش از این نیز مطرح گردید، این پژوهش به دنبال استخراج معانی مختلفی است که افراد نسبت به خانه محل سکونتشان در ذهن دارند. همچنین با توجه به اینکه ساکنین خانه‌های شهری عموماً در دو الگوی سکونتگاهی آپارتمانی و مستقل حیاطدار ساکن هستند، لذا این پژوهش در بخش دیگری از فرایند خود، به تفکیک و دسته بندی معانی مختلف خانه از دید ساکنین



دو طیف بلی یا خیر تنظیم شده بودند، در تحلیل داده‌ها از آزمون ریگرسیون لوجستیک بهره گرفته شد. قلمرو مکانی تحقیق در این پژوهش، کلانشهر شیراز است که علت انتخاب این شهر، تنوع دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاط دار (حدود ۳۵ درصد خانه‌ها مستقل حیاط دار و ۷۵ درصد خانه‌ها الگوی آپارتمانی) در این شهر است (گزارش بازنگری طرح تفصیلی شهر شیراز، ۱۳۸۳: ۹۷). همچنین پراکنش همگن این دو الگو در تمام محلات شهری شیراز، از دیگر عواملی بود که این شهر را به عنوان نمونه موردی در این تحقیق برگزید. این امکان را فراهم آورد که در انتخاب جامعه آماری، از ساکنین محلات غنی، متوسط و ضعیف شهری در هر دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاطدار به صورت یکنواخت و همگن استفاده شود. بنابراین جامعه آماری در این تحقیق شامل ساکنین خانه‌های آپارتمانی (تا ۵ طبقه) و مستقل حیاط دار از تمام محلات شهری بودند که به صورت تصادفی و همگن انتخاب شدند.

۶- مبانی نظری

به منظور دستیابی به چشم اندازی موثر در خصوص موضوع مورد بحث، ابتدا لازم است تا برخی از اصطلاحات اساسی موجود در این حیطه مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس در ابتدا مفهوم مکان و معنای مکان معرفی می‌شود و سپس ادبیات مربوط به معنای خانه ارائه می‌گردد.

۶-۱- مکان و معنای مکان

در ادبیات یک قرن گذشته معماری، اصطلاحات فضا و مکان، موارد استفاده وسیعی یافته‌اند. معنای این دو واژه گاه آنقدر به هم نزدیک می‌شوند که تقریباً یک معنا پیدا می‌کنند و گاه به طور کامل از هم جدا می‌شوند. زمانی معنایی مشخص و گاهی مفهومی پیچیده، ذهنی، فرهنگی و گنگ دارند. واژه مکان از دو واژه لاتین (Platea) و واژه یونانی (Platia) به معنای خیابان ریشه گرفته است (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۸). فرهنگ آکسفورد معنای زیادی در مقابل آن قرار می‌دهد. در "حالت اسمی" مکان به یک موقعیت یا نقطه خاص با کیفیت ویژه اطلاق می‌شود که می‌تواند در یک محل عینی

مانند شهر، خیابان و ساختمان یا محلی ذهنی مانند تاریخ، ریاضیات و خانه وجود داشته باشد. در حالت فعلی مهمترین معنای واژه مکان، رخ داد^۲ است که ارتباط تنگاتنگ آن را با بودن و وجود داشتن نشان می‌دهد. در معنای کاربردی، مکان جایی است که به واسطه اشغال انسان معنا یافته است. در این حالت مکان مفهومی فرهنگی برای توضیح کیفیت رابطه انسان با محیطش می‌باشد. اما به صورت خاص که مد نظر پژوهش حاضر نیز می‌باشد، مکان به عنوان نقطه‌ای مشخص در سطح زمین است که به واسطه ارزش‌های مختلف بشری معنای مختلفی به خود می‌گیرد (Webster, 2001: ۱۰۹۹).

روانشناسان محیطی و اندیشمندان حوزه جغرافیای انسانی بیش از چند دهه است که رابطه هیجانی انسان و مکان‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. برخی از اندیشمندان این حوزه بر این باورند که معنا به مکان نسبت داده می‌شود و بر اثر رابطه هیجانی مردم و مکان‌ها شکل می‌گیرد. لذا از دید آنها مکان، فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنایی خاص است (Dourish & Chalmers, 1994: 128). به این معنی که انسان‌ها به صورت فردی و یا گروهی، با الصاق معنای به فضاها، آنها را به مکان تبدیل می‌کنند (Carona, 1996: 355) و بر اساس تجارب، ارتباطات اجتماعی، احساسات و افکار خود در بستر کالبدی فضا به آن مفهوم مکان می‌بخشند (Stedman, 2003: 6). بنا به اعتقاد توان، یک مکان جغرافیایی می‌تواند یک شخصیت و روح داشته باشد که به ویژگی‌های طبیعی آن برمی‌گردد (Tuan, 1977: ۱۲۱). وی ساختار مکان بدون میدان‌های توجه مردم را تنها یک موقعیت جغرافیایی صرف می‌داند (Tuan, ۱۹۸۰: ۶). برای رلف مکان‌ها مراکز معنایی هستند که بر اساس زیست جهان شکل یافته‌اند. با لبریز ساختن فضاها با معنای منحصر به فردی که جوامع آن‌ها را شکل می‌دهند، می‌توان فضاها را به مکان‌ها تغییر داد (مدیری، ۱۳۸۷: ۷۵). وی در کتاب مکان و بی مکانی، با نگاهی پدیدارشناسانه در پی چگونگی و چرایی معنی‌دار شدن مکان‌ها برای مردم است. او مکان را در سه وجه



اقتصادی حاکم بر آن جامعه در پیوند هستند. این امر باعث تشکیل یک حس مکان شخصی می‌شود که خود در نهایت منجر به شکل‌گیری نوعی هویت ذهنی نسبت به محیط در ذهن فرد می‌گردد (Agnew, 1987: ۱۲۱).

لینچ در کتاب تئوری شکل شهر، معنای مکان را حاصل رابطه بین عناصر فضا با ساختارهای ذهنی مشاهده‌گر می‌داند. در این تعریف منظور از عناصر و اجزای فضا، عواملی است که محیط کالبدی به وسیله آنها تعریف می‌شود. ساختارهای ذهنی در تعریف لینچ در برگرفته تمام مفاهیم و ارزش‌های مورد تایید استفاده‌کنندگان از فضا شامل فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و ... می‌باشد. وی معنای مکان را معادل مفهوم هویت تعریف می‌کند و معتقد است که «هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید، به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌نظیر و حداقل مخصوص به خود را دارا باشد» (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

آموس راپاپورت نقش فرهنگ حاکم بر یک جامعه در شکل‌گیری معنای محیط را بسیار با اهمیت می‌داند. به اعتقاد وی «مردم به یاری فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهانبینی و نظام‌های نهادی مشترک، به محیط خود معنی می‌دهند و فضای بی‌معنی را به مکان‌های معنی‌دار تبدیل می‌کنند. از دیگر سو او اعتقاد دارد که فرهنگ به شکلی نامستقیم، یکی از پایه‌های اصلی زندگی روانی انسان‌ها است و با مطالعه فرهنگ می‌توان به ادراک انسان از محیطی که گرداگرد خود ساخته است پی‌برد» به عبارتی واکنش افراد نسبت به یک محیط، بسته به معنای است که از آن محیط ادراک می‌کنند و این موضوع بر کیفیت رفتارهای آنها نیز تاثیرگذار است. بر این اساس فرهنگ در یک جامعه با شکل‌دهی یک نظام ارزشی در آن، زمینه‌ای را ایجاد می‌نماید که به واسطه آنها، انسان‌ها معیارهایی برای تبدیل یک فضا به مکان را به دست می‌آورند و بر اساس این فرآیند، محیط معنادار می‌شود (Rapoport, ۱۹۸۲: ۱۲۲).

کالبد، فعالیت و معنا تعریف می‌کند و معتقد است که از میان این سه وجه، معنا نسبت به دو وجه دیگر از اهمیتی بیشتر برخوردار است و دشوارتر از بقیه به دست می‌آید (Relph, 1976: 92). در همان دوران، کانتر مدلی سه بخشی از مکان را ارائه داد که در آن مکان برگرفته از سه بخش فعالیت‌ها، تصورات و فرم بود. وی اعتقاد داشت که تاثیر جنبه‌های فیزیکی و فرمی در نظریات روانشناسی و رفتارشناسی از اهمیتی بیشتر برخوردار است. با این حال کانتر بر این اعتقاد بود که ادراک فضا برای افراد مختلف متفاوت است و لذا جنبه‌های فردی ادراک فضا از اهمیت بسیار زیادتری برخوردار هستند (Canter, 1977a: 119). رلف و کانتر دو رویکرد مختلف را نسبت به موضوع مکان نشان می‌دهند. رلف با یک نگاه پدیدارشناسانه در حوزه جغرافیای انسانی به جنبه‌های خاصی از مفهوم مکان به ویژه معنای مکان توجه دارد، در مقابل کانتر با نگاهی روانشناسانه، به مکان نگاهی اثبات‌گرایانه دارد (Canter, 1977b: 176; Relph, 1976: 112). اما نکته قابل توجه در این است که ریشه کلام هردو، یک اصل است و آن هم ارائه مدلی برای تعریف مکان است که در آن عناصر تشکیل دهنده مکان شامل فرم، عملکرد و معانی هستند (Groat, 1995: 74; Sime, 1986: 55).

مدل دیگری از مکان که توسط اگنیو با رویکردی متفاوت ارائه گردید، به بررسی مفهوم مکان در بستر اجتماعی می‌پردازد. وی اجزای اصلی تشکیل دهنده مکان را در سه بخش تقسیم نمود که شامل: (۱) بستر^۳ که شامل مجموعه ساختارهای اجتماعی (که می‌تواند رسمی و یا غیر رسمی باشد)؛ (۲) موقعیت^۴ که به مفهوم بستر فیزیکی مکان است؛ (۳) حس مکان^۵ که به نوعی احساسی است که به واسطه بسترهای اجتماعی موجود در مکان شکل می‌گیرد (Agnew, 1987: 76). وی بر این اعتقاد است که هر سه این عوامل باید بطور همزمان به وقوع بپیوندند (Agnew & Duncan, 1989: 49) بنابراین مکان‌های معنی‌دار در یک بستر اجتماعی و بر اثر تعاملات اجتماعی میان افراد در یک محیط فیزیکی شکل می‌گیرند که با بسترهای فرهنگی، اجتماعی و



ناتوان جسمی (معلول) مورد بررسی قرار گرفته است. آنها هفت معنی را برای خانه از دیدگاه افراد ناتوان جسمی تبیین نمودند:

- ۱- خانه به عنوان مکانی امن و راحت؛
- ۲- خانه به عنوان یک مکان خلوت؛
- ۳- خانه به عنوان جایی که در آن آزادی و کنترل نسبت به محیط وجود دارد؛
- ۴- خانه به عنوان مکانی برای تدوین هویت اجتماعی؛
- ۵- خانه به عنوان جایی که تعاملات خاصی با افراد در آن شکل می‌گیرد؛
- ۶- خانه به عنوان جایی که فعالیت‌های روزمر زندگی در آن اتفاق می‌افتد؛
- ۷- خانه به عنوان مکانی که نوعی احساس تعلق و ریشه داری برای ساکنینش نسبت به آن به وجود می‌آید (Montreuil, et al, 2011: 45).

۷- مطالعات و بررسی‌ها

۷-۱- گام اول: استخراج چارچوب نظری

تحقیق

بر اساس آنچه در گام نخست و در ارتباط با چارچوب نظری تحقیق عنوان شد، نخستین مرحله در این گام، استخراج و جمع‌بندی ادبیات در خصوص معنای خانه است که این موضوع در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- استخراج تعاریف مختلف در ارتباط با معنای خانه در ادبیات تخصصی (ماخذ: نگارنده)

تعداد	خانه به عنوان مکانی						
	Hayward (1975)	Couper & Groves (1996)	Zingmark, et al (1998)	Marcus (2006)	Groves, et al (1998)	Despres (1991)	Sixsmith (1986)
۶	*	*	*	*	*	*	*
۶	*	*	*	*	*	*	*
۳						*	*
۶	*	*	*	*	*	*	*
۶		*		*	*	*	*

از جمله دیگر افرادی که به مطالعه پیرامون معنای مکان پرداخته، گوستافسون است. وی در پژوهش خود مدلی سه وجهی متشکل از "شخص"، "دیگران" و "محیط" ارائه داده است و معتقد است که معانی که افراد از مکان‌های مختلف در ذهن خود می‌سازند، یا مستقیماً برگرفته از یکی از این وجوه است و یا اینکه از تعامل دو به دو و یا هر سه این وجوه به دست می‌آید (Gustafson, 2001: 12).

در تحقیقی دیگر زینگمارک و همکارانش در سال ۱۹۹۵ در تعریف معنای خانه، مواردی چون امنیت، ریشه داری، لذت، خلوت، با هم بودن، شناخت و کنترل نسبت به محیط و رفتارها را مورد اشاره قرار دادند (Zingmark & et al, 1995: 59). در همان سال مارکوس با مطالعه‌ای که از دوران کودکی تا بزرگسالی افراد در خانه داشت، سه معنای عمده را برای خانه تعریف نمود که شامل:

- ۱- اتخاذ نوعی کنترل شناختی و رفتاری نسبت به فضا؛
- ۲- خانه به عنوان مکانی که افراد می‌توانند آنچه را که دوست دارند از جمله تزئینات و دست‌ساخته‌های مورد علاقه خود را آزادانه در آن به کار برند؛
- ۳- خانه مکانی است که می‌توان در آن پلی با مکان‌ها و سایر افراد در گذشته برقرار کرد، به عبارتی خانه به عنوان جایی برای یادآوری خاطرات است (Marcus, ۲۰۰۶: ۸۸).

کالتنبرن نیز از دیگر افرادی است که معنای خانه را با رویکردی تجربی مورد پژوهش قرار داده است. وی در پیمایشی که در جنوب نروژ انجام داد، به بررسی مفاهیمی چون دلستگی به مکان^۶ و ویژگی‌های مکان^۷ پرداخت. در تحقیقات وی، دو مفهوم "سرزمین"^۸ و "تاریخچه"^۹ از اهمیت خاصی برخوردار بود. وی در ارتباط با ویژگی‌های مکان نیز دو فاکتور مهم "محیط - فرهنگ" و "خانواده - اجتماع" تاکید نمود (Kaltenborn, 1997a: 180; 1997b: 193). در این مفاهیم به تمایز میان جنبه‌های فیزیکی و لایه‌های اجتماعی مکان اشاره دارد (Agnew, 1987: 151).

در پژوهشی که اخیراً توسط مونترویل و همکارانش انجام گرفته است، یافتن معنای خانه از دیدگاه افراد



در مرحله سوم به منظور اعتبار دهی به طیف معانی که از ترکیب دو مرحله پیشین به دست آمد، از نظر خبرگان و متخصصان (تکنیک دلفی) بهره گرفته شد. در این بخش در قالب یک بررسی میدانی از معماران و طراحان به ویژه متخصصین در حوزه روانشناسی محیط و علوم رفتاری، خواسته شد نظرات خود را پیرامون معنای خانه و نیز نقد، واژه‌یابی و جمع‌بندی معانی به دست آمده از دو مرحله قبل ارائه نمایند. در نهایت آنچه به دست آمد تایید معانی سیزده گانه‌ای بود که در ارتباط با خانه ارائه گردید و این معانی به عنوان چارچوب نظری نهایی تحقیق در ادامه مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۲- معانی سیزده‌گانه خانه به عنوان چارچوب نظری

تحقیق (ماخذ: نگارنده)

کلید واژه	معانی مستخرج از ادبیات و و نظر خبرگان	گویه های مستخرج از تحقیق تجربی
درآمد	خانه به عنوان محل کار و کسب درآمد	خانه برای من فرصتی برای کسب درآمد است
آزادی	مکانی برای انجام فعالیت‌های مختلف	آزادانه هرکاری بخوام می‌توانم در خانه انجام دهم
سرپناه	خانه به عنوان یک پناهگاه یا سرپناه	خانه برای من مثل یک سرپناه و محافظ است
امنیت	خانه به عنوان یک مکان امن و قابل کنترل	در خانه احساس امنیت می‌کنم
شان و منزلت	نمادی از موقعیت اجتماعی و قدرت اقتصادی	خانه در شان من است.
آرامش	خانه به عنوان مکانی خلوت و آرامش بخش	در خانه احساس آرامش می‌کنم
خانواده	خانه، مکانی برای تعاملات اجتماعی با افراد خاص	خانه یعنی خانواده است
تعلق خاطر	مکانی متعلق به فرد، احساس تعلق و ریشه داری	مکانی که به آن احساس تعلق دارم
تفاوت	مکانی متفاوت، احساس تغییر	احساس می‌کنم خانه ام با جاهای دیگر متفاوت است
شادابی	شادابی و سرزندگی	خانه به من احساس شادابی می‌دهد
مرکزیت	یک پایگاه و مرکز تصمیم‌گیری، و خودشکوفایی	نقطه شروع و مرکز عالم
خاطره	تداوم (پلی میان گذشته، حال و آینده)	خاطرات زیادی در خانه ام دارم
هویت	نماد هویت و زمینه انتقال عقاید و ارزش‌های فرد	خانه ام بخشی از هویت من است.

تعداد	*	*	*	*	*	*	*	*
تفاوت								۷
فعالیت							*	۳
موقعیت اجتماعی			*		*			۳
هویت		*	*	*	*		*	۶
شکوفایی خود		*		*	*		*	۴
سرزندگی			*				*	۲
درآمد زایی							*	۱
قدرت		*					*	۲

مرحله دوم شامل استخراج معنای خانه از دیدگاه یک جامعه آماری داخلی است. بدین معنی که در این بخش از پژوهش، یک نمونه تحقیق تجربی در ارتباط با شناخت معانی مختلف خانه برای ساکنین خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار شهر شیراز با توجه به ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی خاص ایشان انجام گرفت. جامعه آماری در این بخش شامل ۳۳۸ نفر از ساکنین خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار بود. در این پیمایش از افراد دو پرسش به عمل آمد که شامل موارد زیر است:

- خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، برای شما چه معنایی دارد؟

- اگر روزی مجبور به ترک این خانه شوید، چه چیز از آن خانه بیشتر در یاد شما باقی خواهد ماند؟

پرسش اول به منظور استخراج طیف معانی مختلف خانه از منظر ساکنین آن بود و هدف از طرح پرسش دوم، مشخص نمودن مهمترین معنا از دید این افراد بود. نتایج به دست آمده از این آزمون کد گذاری و طبقه بندی شد. در نهایت نتایج به دست آمده با نتایج مستخرج از بررسی ادبیات ترکیب شده و نتیجه این مرحله منجر به استخراج شالوده نظری اولیه تحقیق گردید.



۲-۷- گام دوم: بررسی میزان وقوع معانی در دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاطدار

این بخش از تحقیق به دنبال بررسی تاثیر متغیر نوع خانه بر شکل‌گیری معانی ادراک شده توسط ساکنین آن است. به این معنی که در این بخش به بررسی افتراق معانی در دو الگوی سکونت مسکن آپارتمانی و مستقل حیاط دار پرداخته می‌شود. لذا در این مرحله، این نکته مورد بررسی قرار می‌گیرد که کدام معانی در خانه‌های آپارتمانی و کدام معانی در خانه‌های مستقل حیاط دار نمود بیشتری دارد. برای این منظور نمودپذیری تک تک معانی ارائه شده در چارچوب نظری تحقیق، در قالب سوالاتی از فرد پرسیده شد. به عبارتی در این بخش از فرد سوال می‌شود که در خانه‌ای که اکنون ساکن است، کدام یک از معانی را ادراک می‌کند و کدام‌ها را خیر؟ از این بخش پرسشنامه می‌توان دریافت که معانی خانه برای هر فرد با توجه به نوع خانه‌ای که در آن زندگی می‌کند چگونه نمود دارد.

از آنجایی که طیف معانی مطرح شده در چارچوب نظری تحقیق شامل سیزده معانی مختلف برای خانه است و هیچکدام از معانی نسبت به دیگری ارجحیت ندارند، لذا متغیر معانی خانه را می‌توان یک متغیر با مقیاس اسمی تعریف نمود. همچنین نوع سکونت نیز یک متغیر اسمی با دو سطح آپارتمانی و مستقل حیاطدار است. بنابراین روش آماری مناسب به منظور بررسی میزان احتمال وقوع یک معنی در هر کدام از الگوهای سکونت‌گاهی، استفاده از آزمون ریگرسیون لجستیک می‌باشد. برای این منظور به تعداد معانی موجود در چارچوب نظری تحقیق، فرضیه ساخته شد که در آنها، ارتباط میان شکل‌گیری معانی مورد نظر و نوع خانه مورد بررسی قرار گرفت.

پیش از پرداختن به این موضوع، ابتدا باید این موضوع مشخص می‌شد که کدام یک از معانی سیزده‌گانه، نسبت به متغیر نوع خانه به طور کلی نمودپذیری متفاوتی دارد. برای این منظور از آزمون خی-دو استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳ - نتایج آزمون خی دو برای معانی سیزده گانه نسبت به متغیر نوع خانه (ماخذ: نگارنده)

Chi-Square	معانی خانه								
	درآمد	آزادی	سرپناه	امنیت	نشان و شان	آرامش	خانواده	تعلق خاطر	تفاوت
مقدار آماره	۰/۸۹۰	۱۰/۰۲۵	۰/۳۴۱	۱۲/۶۵	۸/۱۸	۱/۰۹۳	۱/۶۶	۱۰/۴۰۶	۱۲/۰۸۹
درجه آزادی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مقدار احتمال	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۵۴۹	۰/۰۰	۰/۴۳	۰/۶۴	۰/۸۸	۰/۰۰	۰/۰۰

همانگونه که از داده‌های جدول فوق نمایان است، مقدار احتمال برای شش معنا شامل "آزادی"، "امنیت"، "تعلق خاطر"، "تفاوت"، "تداوم" و "هویت‌مندی" کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است که این امر نشان از وجود تفاوت معنادار در ارتباط با وقوع این معانی نسبت به نوع خانه می‌باشد. به عبارت دیگر بر اساس نتایج این آزمون، می‌توان چنین ادعان داشت که از میان سیزده معانی ارائه شده در چارچوب نظری تحقیق، احتمال وقوع این شش معنا در خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار متفاوت از یکدیگر می‌باشد. حال به منظور فهم اینکه کدام یک از این معانی در خانه‌های آپارتمانی و کدام یک در خانه‌های مستقل حیاطدار نمودپذیری بیشتری دارند، از جدول توافقی آزمون ریگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. در این جدول، مقادیر مشاهده شده و مقادیر مورد انتظار برای هر کدام از معانی که توسط ساکنین خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار بیان شده است، گزارش می‌شود.

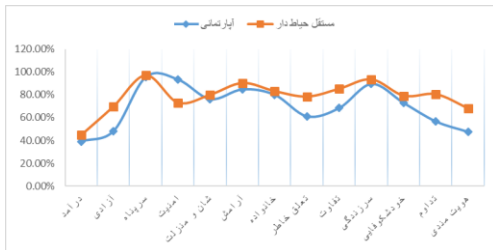
جدول ۴ - جدول توافقی آزمون ریگرسیون لجستیک (ماخذ:

نگارنده)

معانی خانه	نمودپذیری معنا	الگوی آپارتمانی		الگوی مستقل حیاط دار	
		مقدار مشاهده شده	مقدار مورد انتظار	مقدار مشاهده شده	مقدار مورد انتظار
درآمد	بلی	۴۵	۴۹	۸۷	۳
	خیر	۷۰	۶۶	۱۰۸	۱۱۲
آزادی	بلی	۵۴	۶۷/۰۵	۱۲۸/۰۰	۱۱۴/۹۵
	خیر	۵۸	۴۴/۹۵	۶۴	۷۷/۰۵
سرپناه	بلی	۱۱۰	۱۱۰/۹	۱۸۹	۱۸۸/۱
	خیر	۵	۴/۱	۶	۶/۹



است که نمودپذیری معنای آرامش برای ساکنین در خانه‌های آپارتمانی، به مراتب بیشتر این معنا برای ساکنین خانه‌های مستقل حیاطدار است.



نمودار ۱- نمودار احتمال وقوع معانی مختلف خانه به تفکیک نوع (ماخذ: نگارنده)

۸- یافته‌های تحقیق

تعیین حداقل سطح معانی لازم در یک محیط مسکونی و فراهم نمودن زمینه لازم جهت ارتقا سایر معانی، مستلزم شناخت دقیق از ابعاد مختلف شکل‌گیری معانی در گونه‌های مختلف سکونت‌گاهی است. لذا چنین به نظر می‌رسد که این امر با تکیه بر یافته‌های تحقیق پیرامون تاثیر نوع خانه بر شکل‌گیری معانی مختلف حاصل می‌آید. به همین منظور دو الگوی خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار به عنوان دو الگوی رایج در مسکن شهری معاصر برای اقصاء متوسط جامعه در شهر شیراز به عنوان بستر تحقیق در نظر گرفته شد و نمود پذیری انواع معانی در این دو الگو، هدف تحقیق حاضر را تشکیل داد. داده‌های به دست آمده از بررسی‌های میدانی نشان داد که معانی "درآمد"، "سرپناه"، "شان و منزلت"، "آرامش"، "خانواده"، "سرزندگی" و خودشکوفایی "از جمله معانی هستند که در حد وسط خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار واقع شده‌اند که در این رابطه، معانی درآمد و سرپناه جز معانی کارکردی، معنی آرامش، خانواده، سرزندگی و شان و منزلت در دسته معانی عاطفی و معنای خودشکوفایی زیرمجموعه بعد نمادین از معانی خانه قرار دارد (Gibson, 1950: 31). چنین به نظر می‌رسد که این معانی به عنوان حداقل سطح معانی هستند که هر خانه با هر ساختار فضایی که دارد، تا حدودی واجد آن است (تصویر ۱). البته ذکر این نکته نیز ضروری است که معانی مذکور بیش از آنکه به ویژگی‌های محیطی مسکن وابسته

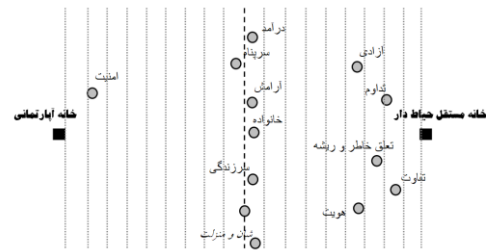
امنیت	بلی	۹۴	۱۰۲/۹۳	۸۵	۱۷۶/۰۷
	خیر	۲۰	۱۱/۰۷	۱۰	۱۸/۹۳
شان و منزلت	بلی	۷۵	۸۵/۶۰	۱۵۵	۱۴۴/۴۰
	خیر	۴۰	۳۹/۴۰	۳۹	۴۹/۶۰
آرامش	بلی	۹۵	۹۸/۸	۱۷۴	۱۷۰/۰۲
	خیر	۱۷	۱۳/۲	۱۹	۲۲/۸
خانواده	بلی	۸۷	۹۱/۳	۱۶۱	۱۵۶/۷
	خیر	۲۶	۲۱/۷	۳۳	۳۷/۳
تعلق خاطر	بلی	۶۹	۸۱/۲	۱۵۱	۱۳۸/۸
	خیر	۴۴	۳۱/۸	۴۲	۵۴/۲
تفاوت	بلی	۷۸	۹۰	۱۶۶	۱۵۴
	خیر	۳۶	۲۴	۲۹	۴۱
شادایی	بلی	۱۰۳	۱۰۵/۷	۱۸۱	۱۷۸/۳
	خیر	۱۲	۹/۳	۱۳	۱۵/۷
مرکزیت	بلی	۸۳	۸۷/۴	۱۵۰	۱۴۵/۶
	خیر	۳۱	۲۶/۶	۴۰	۴۴/۴
خاطره	بلی	۶۵	۸۲/۱	۱۵۵	۱۳۷/۹
	خیر	۵۰	۳۲/۹	۳۸	۵۵/۱
هویت	بلی	۵۴	۶۸/۷	۱۳۱	۱۱۶/۳
	خیر	۶۰	۴۵/۳	۶۲	۷۶/۷

همانگونه که از داده‌های جدول فوق نمایان است، در ارتباط با معنای "آزادی"، مقدار مشاهده شده در پاسخ مثبت به این معنا در خانه‌های مستقل حیاطدار بیشتر از پاسخ‌های مثبت ارائه شده توسط ساکنین خانه‌های آپارتمانی است. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که این معنا در میان ساکنین خانه‌های مستقل حیاطدار نمودپذیری بیشتری داشته است. از طرفی همین ارتباط را می‌توان در خصوص مقادیر مثبت ارائه شده برای معانی "تعلق خاطر"، "تفاوت"، "تداوم" و "هویت‌مندی" نیز مشاهده کرد. به این معنی که ساکنین خانه‌های مستقل حیاطدار پاسخ‌های مثبت بیشتری در ارتباط با وجود این معانی در خانه‌هایشان ارائه داده‌اند. لذا می‌توان چنین برداشت نمود که از میان معانی سیزدهگانه مورد بررسی در این تحقیق، پنج معنا شامل معانی "آزادی"، "تعلق خاطر"، "تفاوت"، "تداوم" و "هویت‌مندی" در میان ساکنین خانه‌های مستقل حیاطدار، نمودپذیری بیشتری در مقابل ساکنین خانه‌های آپارتمانی داشته است. اما در مقابل، داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که مقادیر مثبت مشاهده شده در میان ساکنین خانه‌های آپارتمانی نسبت به معنای "امنیت"، عدد بیشتری در مقایسه با ساکنین خانه‌های مستقل حیاط دار در ارتباط با این معنا را نشان می‌دهد. این بدان معنا



باشند، متاثر از ویژگی‌های فردی ساکنین بوده که خود برگرفته از خصوصیات فردی و روابط خانوادگی آنها است.

با این حال نتایج این تحقیق نشان داد که طراحان به منظور ارتقا سطح کیفی خانه‌ها و افزایش میزان مطلوبیت فضایی از نظر ساکنین می‌بایست زمینه ارتقا معانی "آزادی"، "تعلق و ریشه‌داری"، "تفاوت"، "تداوم"، "هویت مندی" و "امنیت" را تامین نمایند. با توجه به داده‌های به دست آمده، این نکته نمایان است که معانی "آزادی"، "تعلق و ریشه‌داری"، "تفاوت"، "تداوم" و "هویت مندی" از جمله معانی هستند که در میان ساکنان خانه‌های مستقل حیاطدار نمود بیشتری داشته‌اند. در مقابل آن معنای "امنیت" به عنوان معنایی است که در میان ساکنین خانه‌های آپارتمانی نمود بیشتری داشته است.



تصویر ۱- احتمال وقوع معانی سیزده گانه نسبت به دو الگوی سکونت گاهی آپارتمانی و مستقل حیاطدار (ماخذ: نگارنده) با این حال مصاحبه‌های صورت گرفته از ساکنین خانه‌های مستقل حیاطدار و آپارتمانی در خصوص دلایل بالاتر بودن معنای مذکور در نوع خانه‌هایشان حاکی از آن بود که: در خانه‌های مستقل حیاطدار، از آنجا که کلیت خانه کاملاً در اختیار یک خانواده قرار دارد، احساس استقلال ساکنین در عرصه خانه تضمین می‌شود. این امر منجر به این می‌شود که فرد بتواند "آزادانه" هر آنچه را در حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی دوست دارد در خانه خود به راحتی انجام دهد. وجود احساس اشرافیت نسبت به تمامیت فضاهای خانه و احساس آزادی در عمل، این امکان را نیز برای ساکنین فراهم می‌آورد که فضاهای مختلف خانه را بر اساس سلیقه و افکار خود تزئین و مبلمان نمایند. این امر منجر

به شکل‌گیری احساس "تفاوت" بودن خانه نسبت به سایر مکان‌ها از دید ساکنانش می‌شود و نیز زمینه تشخیص آن از سایر فضاها را برای آنها فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی اعضای خانواده از منظر عاطفی و کارکردی، ارتباط خوب و عمیقی با محیط خانه برقرار می‌کنند. این امر در نهایت منجر به شکل‌گیری احساس "هویت" برای ساکنین می‌شود؛ بدین معنی که خانه را بخشی از هویت فردی و اجتماعی‌شان قلمداد می‌کنند. از طرفی تلاش در جهت سازماندهی فضا بر اساس افکار استفاده‌کنندگان از آن، زمینه مشارکت و در نتیجه شکل‌گیری معنای "تعلق خاطر" برای ساکنین خانه‌های مستقل حیاطدار را بیشتر فراهم آورده است. در چنین حالتی و با گذشت زمان، خاطرات مختلفی در محیط خانه برای فرد و اعضای خانواده‌اش رقم می‌خورد که همین امر منجر به شکل‌گیری احساس "تداوم" برای فرد و خانواده‌اش می‌شود. لذا در کل می‌توان چنین برداشت نمود که در خانه‌های مستقل حیاطدار به واسطه ساختار فضایی مستقل، ابعاد مختلفی از معنای خانه از جمله معنای کارکردی، عاطفی و نمادین فراهم می‌آید، این در حالی است که این موارد برای ساکنین خانه‌های آپارتمانی با توجه به محدودیت‌های فضایی، مسئله اشرافیت، همجواری بسیار زیاد با واحدهای همسایه، عدم امکان تغییر در ساختار کالبدی خانه و عدم مالکیت (در بسیاری از موارد) منجر به تحقق معنای مذکور در سطحی بسیار نازل‌تر شده است. با این حال در این نوع خانه‌ها (الگوی آپارتمانی) به واسطه وجود یک درب ورودی و قابل کنترل، استقرار خانه در ارتفاع نسبت به سطح معبر عمومی و نیز وجود همسایگان در مجاورت واحد مسکونی، معنای امنیت را هم از منظر فیزیکی و هم از منظر روانی، برای ساکنین خود بیشتر فراهم آورده است. همین امر باعث شده است که معنای "امنیت" برای ساکنین خانه‌های آپارتمانی، بیشتر از خانه‌های مستقل حیاطدار نمود یابد.

۹- نتیجه تحقیق

مسکن معاصر بیش از هرچیز به سرپناهی صرف تبدیل شده که افراد را در مقابل عوامل خارجی حفظ کرده و در



های آپارتمانی، معنای "امنیت" نمود پذیری بیشتری دارد.

۱۰- تشکر و قدردانی

در انتها لازم است از راهنمایی‌های ارزنده آقایان دکتر سید عباس یزدانفر و دکتر قاسم مطلبی تشکر و قدردانی نمایم.

۱۱- پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به توضیح است که دسته بندی خانه‌ها بر اساس نوع خانه شامل دو دسته کلی تک خانواری و چند خانواری است. خانه‌های چند خانواری خود شامل برج‌ها و آپارتمان‌ها می‌شود. با توجه به عمومیت نداشتن در میان اقشار میان درآمد (جامعه آماری تحقیق)، لذا این پژوهش از پرداختن به این گونه سکونت‌گاهی امتناع نموده و اطلاعات لازم را از میان ساکنین دو دسته آپارتمانی (حداکثر تا ۶ طبقه تراکم) و مستقل حیاطدار (خانه‌ای که تنها در اختیار یک خانواده باشد) انتخاب نموده است.

2. To take place
3. Locale
4. Location
5. Sense of Place
6. Place attachment
7. Place attributes
8. Area
9. History

۱۰. لازم به ذکر است که در پرسش نامه، برای بیان منظور پژوهش گر از معانی مورد نظر، گویه‌ها به گونه ای انتخاب و تبیین شده اند که افراد عادی قابلیت درک آن مفاهیم را داشته باشند. گویه‌های استفاده شده و نیز متن پرسشنامه در پیوست این رساله ارائه شده است.

۱۲- منابع فارسی و لاتین

• آقالطیفی، آزاده. (۱۳۹۱)، انسان و خانه، تبیین الگوی تعامل انسان و خانه معاصر در ایران، پایان نامه دکتری، تهران: دانشگاه تهران.

<https://thesis2.ut.ac.ir/thesis/UTCatalog/UTThesis/Forms/Search.aspx>

• حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۷). بررسی معیارهای مطلوبیت سکونتی در سه مقیاس واحد آپارتمانی، ساختمان مسکونی و محله (نمونه موردی شهر مشهد)، مطالعات محیطی هفت حصار، سال ۶، شماره ۲۳: ۱۹-۳۰.

<http://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-541-fa.html>

• حیدری، علی اکبر؛ سعدوندی، مهدی؛ دمشناس، الهام؛ دمشناس، الهه. (۱۳۹۷)، اولویت‌بندی شاخص‌های مرتبط با ترجیحات مسکونی افراد در سه مقیاس واحد مسکونی، آپارتمان و محله (نمونه موردی: مقایسه دیدگاه ساکنین سه شهر مشهد، نیشابور و تربت جام)، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۲۵: ۱-۱۴.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=490562>

بهترین حالت، به مثابه کالایی قیمتی، قابل خرید و فروش و سرمایه گذاری است. این نوع نگاه ابزارگونه به مسکن که بیش از هرچیز می‌بایست محل آرامش و سکنی‌گزینی ساکنین خود باشد، به واسطه عدم توجه به جنبه‌های فرا مادی و معنوی خانه از جمله فقدان معنا در آن است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که تغییر در شیوه زندگی افراد و تفکیک محل کار از محل زندگی، بیش از هر چیز خانه را به عنوان مکانی برای آرامش و دوری جویی از هیاهوی زندگی شهری مد نظر ساکنین آن قرار داده است. از طرفی بخشی از معانی خانه به واسطه تعاملات اجتماعی افراد یا اعضای خانواده‌اش به وجود می‌آید. از این رو، این نوع معانی که به واسطه ماهیت ساختاری خانه و یا روابط اجتماعی موجود در بین اعضا، در ذهن فرد شکل می‌گیرد، تقریباً در هر دو گونه خانه آپارتمانی و مستقل حیاط دار (به عنوان دو الگوی رایج در مسکن شهری معاصر ایران) به صورت مشابه نمود یافته است. این در حالی است که معانی چون "آزادی"، "تعلق و ریشه‌داری"، "تفاوت"، "تداوم" و "هویت مندی" که در خانه‌های مستقل حیاطدار نمود بیشتری داشته‌اند، به واسطه وجود قابلیت‌های محیطی مختلفی است که این گونه خانه‌ها نسبت به الگوهای آپارتمانی دارند. از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به مواردی همچون در اختیار یک خانوار بودن تمامیت خانه، عدم وجود فضاهای مشا و رها شده در این گونه خانه‌ها، داشتن حیاط مستقل، امکان پرورش گل و گیاه و حیوانات اهلی، سطح زیربنای بیشتر، عرصه بندی فضایی مشخص‌تر، داشتن ابعاد فضایی بزرگتر و مواردی از این دست اشاره نمود. با این حال در خانه‌های آپارتمانی به واسطه وجود قابلیت‌هایی همچون داشتن ورودی واحد و قابل کنترل، ساخت خانه در ارتفاع (مانع از ورود ساقین)، حضور همسایه‌ها در نزدیکی محل زندگی و مواردی از این دست باعث شده است که ساکنین این الگوی سکونت-گاهی نسبت خانه‌شان احساس "امنیت" بیشتری داشته باشند. بنابراین در خانه‌های مستقل حیاطدار، معانی چون "آزادی"، "تعلق و ریشه‌داری"، "تفاوت"، "تداوم" و "هویت مندی" نمود پذیری بیشتری دارند و در خانه-



[Tuan/8821f3eb0c661a6a5d0d3bcb33e9a3337۶۸۰۰۰۰۰۰](https://www.amazon.com/Websters-Encyclopedic-Unabridged-Dictionary-Second/dp/0517150263)

- Webster. (2001). Webster's encyclopedic unabridged dictionary of the English language. New York: Gramercy Books.

<https://www.amazon.com/Websters-Encyclopedic-Unabridged-Dictionary-Second/dp/0517150263>

- Zingmark, K., Norberg, A., & Sandman, P.-O. (1995). The experience of being at home throughout the life span. Investigation of persons aged from 2 to 102, International Journal of Aging and Human Development, ۴۱(۱), ۴۷-۶۲.

<https://europepmc.org/article/med/8530193>

<https://academic.oup.com/forestscience/article/49/6/822/4617227>

- Tognoli, J. (1987). Residential Environment. In: Stokols, D. and I. Altman (eds). Handbook of environmental psychology. New York: Wiley Interscience.

[https://www.scirp.org/\(S\(351jmbntvnsjt1aadkposzje\)\)/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferencelD=2218858](https://www.scirp.org/(S(351jmbntvnsjt1aadkposzje))/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferencelD=2218858)

- Tuan, Y.-F. (1977). Space and Place: The Perspective of Experience. London: Edward Arnold.

<https://www.amazon.com/Space-Place-Perspective-Yi-Fu-Tuan/dp/0816638772>

- Tuan, Y. F. (1980). Rootedness versus sense of place, Landscape, 24, 3-8. <https://www.semanticscholar.org/paper/Rootedness-versus-sense-of-place->

۱۳- چکیده تصویری

